

نقش سواد کار آگاهی در ارتقاء سطح امنیت اجتماعی جامعه

غلامحسین بیابانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۵

از صفحه ۷ تا ۲۱

چکیده

با دگرگونی در حوزه جرم و پیچیدگی آن می‌طلبند که افراد برای در امان ماندن از جرم؛ ترفندهای مجرم را بشناسند تا گرفتار آن نشوند. لذا در این بین تنها چیزی که می‌تواند افراد جامعه را در برابر جرم واکنش‌ناپذیر نماید سواد کار آگاهی است. سواد کار آگاهی یکی از مجموعه سواد های موجود در جامعه است که اگر عموم مردم به آن توجه بیشتری داشته باشند و آن را بشناسند کمتر دچار زیان از سوی جرم و مجرم می‌شوند. تشریح ابعاد مفاهیم سواد کار آگاهی در جامعه و چگونگی نقش آن در پیشگیری و کاهش جرم و ارتباط مردم با پلیس. روش به کار رفته در مقاله حاضر از لحاظ ماهیت کاربردی بوده و از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. زمانی که مردم آگاه می‌شوند و سواد پلیسی و بخصوص کار آگاهی آنان بالا می‌رود، و به نوعی در فعالیتهای پلیسی می‌توانند مشارکت داشته باشند لذا پلیس با بالا بردن دانش و سواد کار آگاهی مردم می‌تواند از ورودی‌های آمار پرونده‌ها جلوگیری نماید. به عبارتی مردم وقتی آگاه شوند، می‌توانند در برقراری امنیت در جامعه، با پلیس مشارکت فعال داشته باشند و زمینه‌های کاهش جرم در جامعه فراهم می‌شود. زمانیکه آموزش‌های اصولی در مورد جرایم مختلف و نحوه مقابله با آنها به اقشار مختلف جامعه متناسب با شرایط سنی و فرهنگی هر گروه ارائه می‌شود در نتیجه، سطح سواد کار آگاهی در جامعه بالا رفته و امنیت در آن ارتقاء می‌یابد.

واژگان کلیدی: سواد کار آگاهی، ارتقاء سطح امنیت، جرم، جامعه.

مقدمه

یکی از نگرانی‌های پلیس در جوامع امروزی تامین امنیت شهروندان است. از یک طرف تلاش می‌کند امنیت را اجتماعی و همگانی کند؛ به گونه‌ایی که همه در برقراری امنیت نقش ایفا کنند و از طرفی با آموزش و توسعه سواد کارآگاهی این امر را محقق سازد. زیرا یکی از مزایای ارتقای سواد کارآگاهی مردم در جامعه این است که مردم وقتی آگاه شوند، می‌توانند در برقراری امنیت در جامعه، مشارکت فعال داشته باشند، که البته این مسئله بستگی به نوع مدیریت در جامعه دارد که سیاستمداران چگونه بتوانند از این پتانسیل بالا که همان نیروی مردم در جامعه است، استفاده کنند. این رویکرد یعنی مشارکت مردم در اداره امورات با پلیس، که بر مبنای یکنوع مدیریت تیم محور است نه تنها از سوی واحدهای پلیسی بلکه از سوی مردم جامعه نیز بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد (کیم^۱: ۲۰۱۳).

سواد کارآگاهی مجموعه‌ای از دانستنی‌های انتظامی است که فرد با بکارگیری آن می‌تواند خود را در برابر جرم واکسینه نماید بنابراین این وظیفه پلیس آگاهی است که در تماس با مردم و جامعه دائماً موضوعاتی که مردم را درگیر جرم می‌کند آموزش دهد؛ به جای اینکه بعداً هزینه زیادی صرف دستگیری مجرم نماید، با آموزش مردم حجم ورودی پرونده‌ها را کاهش دهد. لذا با افزایش دانش کارآگاهی مردم و مشارکت آنها در تامین امنیت جامعه، می‌تواند محصولات مختلفی به همراه داشته باشد یکی از مواردی که مردم می‌توانند از آن طریق پلیس را در پیشگیری از جرم یاری برسانند، رصد محله است. که می‌تواند از طریق رصد و گزارش دادن سریع وقایع مشکوک و یا جرایمی که در محله اتفاق می‌افتد، به پلیس باشد در واقع، هر چه چشم‌های مراقب در محله بیشتر باشند و ساکنین تهدیدها را بیشتر بشناسند، فرصت ارتکاب به جرم در آن محله کاهش می‌یابد تخمین زده می‌شود که در ایالات متحده از هر پنج خانواده، یک خانواده با یکی از اینگونه برنامه‌های رصدی از این گونه، همکاری دارند. در واقع رصد محله، شامل شهروندانی است که به عنوان چشم‌ها و گوش‌های پلیس عمل می‌کنند. تحقیقات کیم نشان داد که آگاه شدن مردم جامعه و بالا رفتن سواد کارآگاهی ایشان و مشارکت آنها با پلیس در ایجاد امنیت و پیشگیری از جرم بسیار موثر است (همان منبع). نگارنده در این مقاله تلاش دارد ابعاد مختلف سواد کارآگاهی را مورد کنکاش قرار دهد.

بیان مسئله

جرم هزینه زیادی بر جامعه و دولت تحمیل می‌کند و دولت‌ها سالیانه مبالغ زیادی برای مقابله و پیشگیری از جرم اختصاص می‌دهند، به گونه‌ایی که وزارت کشور دولت انگلیس سالانه دوسوم بودجه خود را به امر پیشگیری اختصاص می‌دهد. حال با توجه به اینکه جرایم هر روز از لحاظ کیفی پیچیده‌تر و از لحاظ کمی پرشمارتر می‌شوند، جا دارد پلیس برای کاهش جرم در سطح جامعه مردم را توانمند سازد، به گونه‌ایی که حداقل تلاش کنند مورد آماج جرم قرار نگیرند، و اگر گرفتار آن شدند، لاقلاً از خود دفاع کنند و مسیر قانونی را طی نمایند.

این روش یکی از ابعاد سواد کار آگاهی است و مردم همسو با پلیس گام برمی دارند. اما آنچه از مفهوم سواد درک می شود، احتمالاً عمومی ترین بخش تعریف است. برخی از این تعریف‌ها اصولاً بر مهارت‌ها تمرکز می کند، برخی دیگر بر دانش، و برخی بر آمیخته‌ای از دانش و مهارت تمرکز دارد (جیمز پاتر، ۱۳۹۱: ۴۶). امروزه با سواد بودن یعنی داشتن توانایی کشف رمز اطلاعات؛ بر این اساس اهمیت سواد کار آگاهی برای ایجاد امنیت عمومی در سطح جامعه درک شده است. پلیس به منظور کاهش حجم ورودی‌های پرونده بایستی به ترویج و توسعه سواد کار آگاهی بپردازد. زیرا سواد کار آگاهی یکی از سوادهای موجود در جامعه است که وقتی افراد آن را فرا می گیرند، می آموزند که چگونه از خود را در برابر جرم و مجرم محافظت کنند. سواد کار آگاهی یک فرآیند است نه یک محصول، لذا آموزش موجب ارتقای آگاهی‌های افراد می شود و نتیجه آن فرصت‌های مجرمانه کاهش می یابد. به عبارت دیگر هر چقدر سواد کار آگاهی افراد افزایش یابد، به همان تناسب جرایم در جامعه کاهش می یابد. نمونه بارز سواد کار آگاهی در پیشگیری از جرایمی مثل سرقت، آموزش مک گراف در قالب پیام‌های "ذره‌ای از جرم بکاهید" در آمریکا است. بر اساس مطالعات انجام شده توسط روزنیام پیام‌های "ذره‌ای از جرم بکاهید" در سال ۱۹۷۹ به عنوان یکی از پروژه‌های مهم پیشگیری از جرم از راه وسایل ارتباط جمعی در آمریکا شروع شد (ر. ک بابائیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷). لذا سواد کار آگاهی مزایای زیادی دارد، که یکی از موارد توانمند شدن جامعه در برابر جرم و مجرم است که بیشترین تاثیر بین ارتباط پلیس با جامعه خواهد گذاشت. در این مقاله نگارنده تلاش دارد ابعاد سواد کار آگاهی را در جامعه مورد کنکاش قرار دهد.

پیشینه تحقیق

در این بخش از مقاله به مطالعات و طرح‌های تحقیقاتی که در داخل و خارج از کشور در خصوص سواد کار آگاهی به رشته تحریر درآمده است می پردازیم:

۱. ریموند^۱ (۲۰۱۰) نیز در گزارش خود در مرکز پلیس مسئله محور در دانشگاه نیویورک به ارزیابی طرح اختصاص دادن افسران پلیس به مدارس پرداخته و طبق بررسی‌هایی که انجام داده مزایایی از جمله: افزایش ایمنی در مدرسه و محیط اطراف، افزایش درک دانش آموزان از ایمنی، کاهش ولگردی دانش آموزان، کاهش چشمگیر جرایم از جمله جرایم خشن ارتكابی توسط دانش آموزان و از همه مهمتر، بالا رفتن آگاهی دانش آموزان که بدنبال آن افزایش آگاهی خانواده‌ها و جامعه و در نهایت تحقق هدف، یعنی بالا رفتن علم پلیسی و سواد کار آگاهی مردم جامعه را در پی خواهد داشت (ریموند، ۲۰۱۰: ۴).

۲. دریو و پرنز لر^۲ (۲۰۱۵) در دهه ۱۹۸۰، پلیس استرالیا ناگهان خود را در برابر موج وسیع و شدیدی از تغییرات دید که فلسفه مرکزی آنها جامعه محوری و مشارکت مردم آگاه و توجیه شده در برقراری امنیت در جامعه بودند. از اینگونه تغییرات می توانیم گشت پیاده نیروهای پلیس در محیط‌های تجاری و معابر، کمیته‌های

1 - Raymond

2 - Drew & Prenzler

مشورتی مردم و پلیس، سیستمهای اعلام خطر به پلیس از طریق ایمیل و نظرسنجی های مداوم از مردم درباره ترس آنها از جرایم و نحوه عملکرد پلیس بود لذا شاید سخت ترین مرحله کار پلیس این کشور را بتوان همین مرحله در نظر گرفت ولی وقتی افسران پلیس با دیدن آموزشهای لازم توانستند با مردمی که آنها نیز آموزشهای خوبی دیده بودند و دانش پلیسی و کار آگاهی خوبی داشتند، تعامل برقرار کردند و این همفکری و همیاری نتایج مثبتی در ارتقای سطح امنیت جامعه و کاهش آمار جرایم داشته است و در نظر سنجی هایی که انجام شده ماهیت پلیس، از پلیس مستبد و خشک و دور از مردم که قبلاً بوده فاصله زیادی گرفته است (دریو و پرنزler^۱: ۲۰۱۵: ۲۷).

۳. مارچل^۲ (۲۰۰۴) در تحقیقی که در سال ۲۰۰۴ انجام داد مشخص گردید هر چه دولت در آموزش دادن مردم در مسائل پلیسی و کار آگاهی و برقراری ارتباط با مردم موفق تر باشد می تواند مشارکت مردم را بیشتر و در مسیرهای هدفمند بکارگیری نماید. و در این مسیر می تواند از ابتکاراتی نظیر ایجاد جو رقابت در بین مردم و یا در نظر گرفتن تشویق های خاص مثل حمایت مالی و یا دادن امتیازهای مختلف به افراد استفاده نماید که نتایج ارزشمندی به همراه داشته باشد (مارچل، ۲۰۰۴).

۴. بهزادی و همکاران (۱۳۹۵) با توجه به رویکرد پلیس از سنتی به جامعه محور و تغییر رویکرد پلیس از رویکرد سلبی به رویکرد ایجابی توجه پلیس به مقوله پیشگیری از جرم و کاهش فرصت های ارتکاب به جرم بیشتر متمرکز شده است. این امر به نوبه خود، اولاً ارتقای سطح مشارکت مردم را در پی خواهد داشت. دوم نهادینه سازی این روش در پلیس موجب می شود. این نهاد از موضع خشک، انفعالی و نظاره گر خود در رویکرد سنتی به سمت کنشگری در حل مسائل (بهزادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۴). رو آورند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر مبنای هدف از نوع کاربردی و بر اساس ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی می باشد. به منظور مرور ادبیات از منابع کتابها، مقالات معتبر استفاده شده است. این مقاله مروری بر نظریات و اقدامات پلیس ها در راستای سواد کار آگاهی تنظیم شده است و جمعیت مورد مطالعه متخصصان پلیس تعیین شده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها با توجه به ماهیت داده ها از یک سو و اهداف از سوی دیگر با کمک تحلیل عامل استفاده شده است. در مقاله حاضر سعی می شود با بررسی دیدگاه های صاحب نظران و بعد از شناسایی مفاهیم اصلی و دستیابی به مقولات اصلی و برقراری ارتباط میان آن با تحلیل ها در قالب مدلی فرضی ارائه شده است. محور اصلی سوال تحقیق عبارت است از: نقش سواد کار آگاهی در ارتقاء سطح امنیت اجتماعی جامعه چگونه است؟ گفتنی است داده های این تحقیق در تابستان ۹۶ جمع آوری شده است.

1 - Drew & Prenzler

2 - Marschall

مبانی نظری

به اعتقاد نگارنده نظریه سواد کارآگاهی دارای شش اصل بدیهی است. این شش اصل، بدیهیات اولیه است و برای شناخت این نظریه باید پذیرفته شوند. نخستین اصل، این است که مسئولیت بالا بردن سواد کارآگاهی بر عهده خود افراد است. چرا که فرد در وهله اول باید خودش بخواهد تا این سواد را فرا بگیرد. دوم، افراد نسبت به جرم و شیوه‌های مجرمانه باید حساس باشند. زیرا مجرمان تلاش دارند طمع افراد را تحریک کنند. سوم، مخاطبان باید پیام‌های دریافتی که از هر منبعی دریافت می‌کنند، بتوانند آنها را تفسیر کنند. زیرا اگر شناختی نسبت به نوع پیشنهاد نداشته باشد، ممکن است در دام مجرمان گرفتار شوند. چهارم، افراد باید شیوه فعالیت مجرمین را به اشتراک بگذارند، و دیگران را از چگونگی نیت مجرمانه آگاه سازند. پنجم، افراد باید بدانند چه اطلاعاتی برای وی مناسب و مفید است. زیرا هر شخصی هر فعالیتی انجام می‌دهد، آسیب‌ها و تهدیدهای آن حوزه را باید شناخت داشته باشد. ششم، افراد باید قدرت تحلیل داشته باشند. زیرا برای توانمند شدن باید درک درستی از شرایط داشته باشند.

نظریه سواد کارآگاهی همانند سواد رسانه‌ایی در مدلی قرار می‌گیرد که چهار عامل پایه اصلی آن به شمار می‌روند: ساختار دانش، مرکز تصمیم‌گیری شخصی، قابلیت و مهارت و فرآیند پردازش اطلاعات. اما این چهار عامل با هم کار می‌کنند (جیمز پاتر، ۱۳۹۱: ۹۸).

۱. ساختار دانش؛ بر گرفته از شیوه‌ها و شگردهای مجرمانه، ضعف‌های قربانیان و مالبختگان، منفذهای قوانین ومقررات است. لذا افراد با شناخت این موارد بهتر به اهداف خود می‌رسند.
۲. مرکز تصمیم‌گیری شخصی؛ هر چه یک فرد از مرکز تصمیم‌گیری شخصی‌اش بیشتر بهره‌گیرد، سواد کارآگاهی‌اش بیشتر می‌شود. در این بخش افراد پیام‌ها را پالایش می‌کنند و پیام‌های مضر را کنار می‌گذارند و به نوعی پیام‌ها را معناسازی می‌کنند.
۳. پس از تصمیم‌گیری شخصی به ابزاری نیاز داریم تا آن برنامه به اجرا درآید. زیرا هر چه مهارت‌های خود را پرورش دهیم و آن را بیشتر به کار گیریم، توانمندی مان افزونتر خواهد شد.
۴. موضوع تکمیل‌کننده در این بخش پردازش اطلاعات است، که چکار کنیم جرمی بر ما واقع نشود، اگر واقع شد چه اقدامی انجام دهیم.



مدل مفهومی بکاررفته در پژوهش

یافته‌های پژوهش

همانطور که در طرح مسئله گفته شد نقش سواد کارآگاهی در ارتقاء سطح امنیت اجتماعی جامعه چگونه است که در این طرح نظریات کارشناسان مورد کنکاش و بررسی می‌شود. سواد کارآگاهی عبارتست از میزان اطلاعات و آگاهی افراد از موضوعات مرتبط با جرم و نحوه پیشگیری از آن به نحوی که همیشه طوری عمل کند که جرمی روی وی اتفاق نیفتد و اینکه اگر قربانی جرمی شد چگونه خود را از آن شرایط برهاند تا حداقل آسیب را ببیند و بتواند امورات مربوط به احقاق حق خود را انجام دهد و بداند که چه مدارکی در مسیر پیگیری پرونده می‌تواند به افسر پلیس کمک نماید تا پرونده سریعتر به نتیجه برسد. رسیدن به این هدف در جامعه از چند روش امکان پذیراست که در زیر به این روشها در شش مطلب می‌پردازیم.

- مطلب اول: از طریق آموزش دانش آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی

طرح افسران کاردان مدرسه (افسرانی که در مدارس آمریکا برای اجرای قانون و آموزش و نیز پیشگیری از جرم حضور دارند) در آمریکا در نیمه اول دهه ۱۹۵۰ شروع شد و در دهه ۱۹۹۰ در رویارویی با تیراندازی‌های مختلفی که در مدارس انجام شد، اهمیت آن بیشتر نمایان شد و شهرت یافت. بر اساس آمار ارایه شده، در ۳۵ درصد از مدارس سراسر آمریکا این افسران حضور دارند که شامل مقاطع مختلف تحصیلی می‌باشند. و امروزه بیشتر مدارس دارای این افسران می‌باشند (ویلر و کری، ۲۰۱۱).

البته در آمریکا با توجه به شرایط محیطی و عدم ممنوعیت حمل سلاح در بیشتر ایالات، حضور دائمی این افسران در مدارس الزامی است ولی در کشور ما و سایر کشورهایی که حمل سلاح جرم محسوب می‌شود و امنیت بیشتری در جامعه احساس می‌شود، لزومی برای حضور دائمی افسران در مدارس نیست لیکن ارائه آموزشهای لازم توسط افسران پلیس به صورت مدون و منظم در مدارس (مثلاً در قالب چند واحد درسی در دوره‌های مختلف تحصیلی) در مورد علوم کارآگاهی و پلیسی، بطور قطع می‌تواند تاثیر بسیار مثبتی در بالابردن سواد کارآگاهی در سطح جامعه و کمتر شدن موارد قربانی شدن مردم و پیشگیری موثر از جرائم داشته باشد. نتیجه تجربه موفق حضور افسران پلیس در مدارس در آمریکا، باعث شد این طرح در کانادا و بریتانیا نیز انجام شود و در انگلستان حتی مدرسی که در آنها افسران رابط پلیس حضور داشتند با استقبال بیشتری از سوی والدین و دانش آموزان و معلمان مواجه و همگی بر احساس رضایت و اعتماد بالایی اذعان داشتند و جالب این بود که بطور کلی، بینش و احساس مردم نسبت به پلیس تغییرات مثبتی داشت (ریموند، ۲۰۱۰: ۶).

- مطلب دوم: آموزش به افرادی که یکبار قربانی جرم یا جنایتی شده اند

یکی از تحقیقات قدیمی که در حوزه پیشگیری از جرم با استفاده از آموزش و بالابردن سواد پلیسی و کارآگاهی قربانیان جرایم انجام شده در ایالت جورجیا ایالات متحده، توسط رابرت دیویس و باربارا اسمیت^۱ در سال (۱۹۹۴) صورت گرفته است. این محققین بیان می‌کنند که بر طبق اطلاعات و آمارها، افرادی که یکبار قربانی جنایتی شده اند، آسیب پذیری ایشان نسبت به سایرین بالاتر می‌رود و احتمال اینکه دوباره دستخوش جنایتی دیگر شوند بیشتر است. پس یکی دیگر از گروه‌هایی که به شدت به آموزش نیاز دارند همین گروه از جامعه هستند.

این محققین بدنبال دو سؤال اساسی بودند؛ اول اینکه، آیا مردم می‌توانند به خوبی تکنیکهای پیشگیری از جرم را فرا بگیرند و آنها را در مواقع لزوم بکار بگیرند؟ دوم اینکه، اگر این کار انجام شود، این تغییر رفتار می‌تواند نرخ قربانی شدن ایشان را کاهش دهد یا خیر؟

در تحقیق این گروه، ۱۹۱ مرد و زن نفر شرکت کردند که همگی یکبار قربانی جرایم شده بودند که از این تعداد، ۴۵٪ قربانی سرقت به عنف، ۳۳٪ قربانی سرقت عادی، ۲۲٪ قربانی تجاوز بودند و میانگین سنی شرکت

کنندگان نیز ۳۴ سال بود. این افراد آموزش‌ها و پشتیبانی‌های روانشناسی و مالی و اطلاعات در رابطه با نظام عدالت کیفری را کسب کردند. یک سال پس از اینکه آموزش این افراد به پایان رسید و به زندگی عادی بازگشتند، مجدداً فراخوانده شدند و مورد ارزیابی قرار گرفتند، از نظر ترس از جرم، تغییر چندانی از خود نشان ندادند. بیشتر آنها مانند زمانی که هنوز آموزش ندیده بودند بازهم از جرایم وحشت داشتند و هر لحظه آمادگی قربانی شدن مجدد را داشتند. از نظر قربانی شدن مجدد نیز ۲۳٪ از شرکت کنندگان قربانی جرایم جدیدی شده بودند که از این مقدار سهم مردان بیشتر از زنان بود ولی بطور کلی این نتیجه رضایت بخش نبود و انتظار نمی‌رفت که این تعداد، با وجود آموزش‌هایی که دیده بودند بازهم قربانی جرایم شوند. تحقیقاتی شبیه این مورد نیز قبل از این محققین به شکل‌های دیگری انجام شده بود. مثلاً احتمال قربانی شدن بر اساس مکان زندگی، موقعیت اجتماعی و اقتصادی و یا جنسیت افراد توسط که نتایج مختلفی در این خصوص بدست آمده است (بیدرمن و همکارانش^۱ در سال ۱۹۶۷؛ هیندلنگ و همکارانش^۲ در سال ۱۹۷۸؛ اسپارکس و همکارانش^۳ در سال ۱۹۷۷).

– مطلب سوم: آموزش راهبردهای دفاع از خود به بانوان با هدف بالابردن سواد کار آگاهی و جلوگیری از قربانی شدن ایشان در جرایم مختلف

یکی دیگر از آموزش‌هایی که غیر از آموزش‌های تئوری در خصوص سواد کار آگاهی، بخصوص در مورد زنان در تحقیقات انجام گرفته در سال ۲۰۱۲ توسط گلت^۴، در دانشگاه وسترن^۵ آمریکا و براساس بررسی اجتماعی عمومی انجام شده در سال ۲۰۰۹ در مورد جلوگیری از قربانی شدن ایشان در جرایم مختلف، نتایج بسیار مثبتی داشته، آموزش مهارت‌های دفاع از خود (شامل راهبردهای گفتاری و رفتاری) به زنان می‌باشد و جالب اینجاست که خود بانوان نیز بسیاری از این طرح استقبال کردند.

زنان بدلیل اینکه اغلب آگاهی بیشتری نسبت به مردان در مورد آسیب پذیری خود در برابر جرایم، بخصوص جرایم خشن دارند پس بیشتر بدنبال بالابردن امنیت خود در جامعه می‌باشند. یادگیری مهارت‌های دفاع از خود (مثلاً فراگیری فنون رزمی) مانند سلاحی است که فرد همیشه و همه جا به همراه خود دارد و می‌تواند در مواقع لزوم از آن استفاده کند. برای مثال ۴۵٪ از شرکت کنندگان در این مدارس با بکارگیری مهارت‌ها و راهبردهای گفتاری و رفتاری که آموزش دیده بودند توانستند در مقابل شرایطی که آنها را در معرض تجاوز و سایر جرایم قرار می‌داد مقاومت نموده و خود را نجات دهند (گلت، ۲۰۱۲: ۱۷).

راهبردهای گفتاری شامل فریاد زدن یا صحبت‌های روانشناسی شده با مجرم و راهبردهای رفتاری شامل مهارت‌های آزادسازی و فنون دفاع و ضربه زدن و فرار از دست مجرم می‌باشند.

- 1 - Biderman et al.
- 2 - Hindelang et al.
- 3 - Sparks et al.
- 4 - Glatt
- 5 - Western

- مطلب چهارم: افزایش میزان دانش کارآگاهی شهروندان و تاثیر آن در ارتقای امنیت جامعه.

در سال ۲۰۱۶ مطالعه مقایسه‌ای توسط کوان چوی و جو لک لی^۱ در مورد میزان دانش پلیسی شهروندان و تاثیر آن در ارتقای امنیت جامعه بین کشورهای کره جنوبی و انگلستان انجام دادند. انگلستان به این دلیل انتخاب شده که بی شک اولین نیروی پلیس مدرن و حرفه‌ای را داشته و در خط مقدم جامعه محوری است و بسیاری از کشورها از تجربیات موفق که این کشور کسب کرده استفاده می‌نمایند.

زمانیکه آموزش‌های اصولی در مورد جرایم مختلف و نحوه مقابله با آنها به اقصای مختلف جامعه متناسب با شرایط سنی و فرهنگی هر گروه ارائه می‌شود در نتیجه، سطح سواد کارآگاهی در جامعه بالا رفته و امنیت در آن ارتقاء می‌یابد (چوی و لی، ۲۰۱۶: ۱۶۷). فاکتورهای زیادی وجود دارد که برای فرد منافی را ایجاد کند و همین منافع برای وی انگیزه‌ای شوند تا وی بصورت فعال در تامین امنیت جامعه نقش ایفا کند. این انگیزه‌ها بسته به افراد مختلف می‌تواند متفاوت باشند مثلاً دستمزد، پاداش، دادن اختیارات، به رسمیت شناختن و یا دادن جایزه و هدیه و... که همه این موارد در جای خود می‌توانند مفید واقع شوند (داوز و همکارانش^۲، ۱۹۹۰: ۸۰۸)

- مطلب پنجم: ده راه کلیدی و نوآورانه‌ای که باعث تحولات عظیم در پلیس شده است.

در سال ۲۰۱۶ ده راه کلیدی و نوآورانه‌ای که در پلیس استرالیا طی سی سال اخیر باعث تحولات عظیم و پیشرفتهای چشمگیر شده است ذکر شده که از مهمترین آنها انجام امور پلیسی با مشارکت مردم و جامعه می‌باشد (سار و پرنزلی^۳، ۲۰۱۶: ۲). پلیس حرفه‌ای که از دهه ۱۹۷۰ در استرالیا شکل گرفت در ابتدا بطور فزاینده‌ای خود را از جامعه جدا کرد. ارزیابی‌ها نشان دادند که روش‌های پلیسی عکس‌العمل سریع، مانند زمان پاسخ سریعتر به درخواستها از پلیس (میزان جرم و جنایت پایین تر و ترس کمتر از جرم) آطور که وعده داده شده نبودند و هیچ یک از اقدامات پلیس نتوانست سطح رضایت مردم را بالا ببرد پس تغییری اساسی لازم بود، لذا توسط کارشناسان و طراحان سیاست، ایده پلیس جامعه محور مطرح شد و این روشی بود که شامل گشت‌های پیاده و خدمات اجتماعی گسترده‌تر بود. مهم‌تر از همه، پلیس جامعه محور به سمت فلسفه پلیسی حرکت کرد که از معیارهای صرف واکنش سریع به سمت مدل‌های عملیاتی عملی که پس از طی یک دوره از همفکری و مشاوره‌های اجتماعی حاصل شده به پیش می‌رود. زمانی که مردم آگاه می‌شوند و سواد پلیسی و بخصوص کارآگاهی آنان بالا می‌رود، و به نوعی در فعالیتهای پلیسی می‌توانند مشارکت داشته باشند زمانی است که پلیس جامعه محور مفهوم پیدا می‌کند. در واقع سیاست جامعه محوری پلیس، نه تنها برای پیشگیری از فعالیتهای مجرمانه، بلکه برای مقابله و کاهش شرایطی که فرد تحت آن شرایط به بروز رفتارهای انحرافی تشویق می‌شود طراحی شده است (سار و پرنزلی، ۲۰۱۶: ۴).

1 - Kwan choi & Ju lak lee

2 - Dawes et al

3 - Sarre & Prenzler

- مطلب ششم: افزایش دانش کار آگاهی موجب کاهش نرخ جرایم در محله‌ها.

در تحقیقی که میلر^۱ محقق آمریکایی دانشگاه ایالت اورگنون^۲ در سال ۲۰۱۳ انجام داد یکی دیگر از نتایج مثبت افزایش دانش کار آگاهی مردم جامعه آشکار شد و آن کاهش نرخ جرایم در محله‌ها بود. این محقق تاثیر سه موضوع را بر روی نرخ جرایم بررسی کرد (جرایم مورد مطالعه عبارتند از: تجاوز، سرقت عادی، سرقت وسایل نقلیه و سرقت‌های به عنف) این سه موضوع عبارتند از: رسیدگی و نظارت بر محله‌ها، نرخ معاملات در محلات و نرخ فقر. نتایجی که از این تحقیقات گرفته شد نشان می‌دهد که:

- وقتی میزان توجه به محله توسط ساکنین افزایش می‌یابد و محله‌ها به محیط‌های دوست داشتنی برای زندگی تبدیل می‌شوند، میزان جرایم کاهش می‌یابد و بالعکس، یعنی زمانی که مردم به محله بی توجه می‌شوند و هر کدام از جامعه جدا و نسبت به آن بی توجه می‌شوند آمار جرایم روبه افزایش می‌گذارد.

- نرخ معاملات نیز بر نرخ جرایم تاثیر گذار است. وقتی نرخ معاملات مسکن در محله کم می‌شود یعنی ساکنین مدت زمان بیشتری را در آن محله ساکن هستند و کمتر جابجایی دارند، تحقیقات نشان داده که آمار جرایم مورد مطالعه پایین می‌آید و هر چه آمار این معاملات بیشتر باشد یعنی ساکنین محله دائماً در حال تغییر هستند و در نتیجه، آمار جرایم مورد مطالعه بالا رفته است.

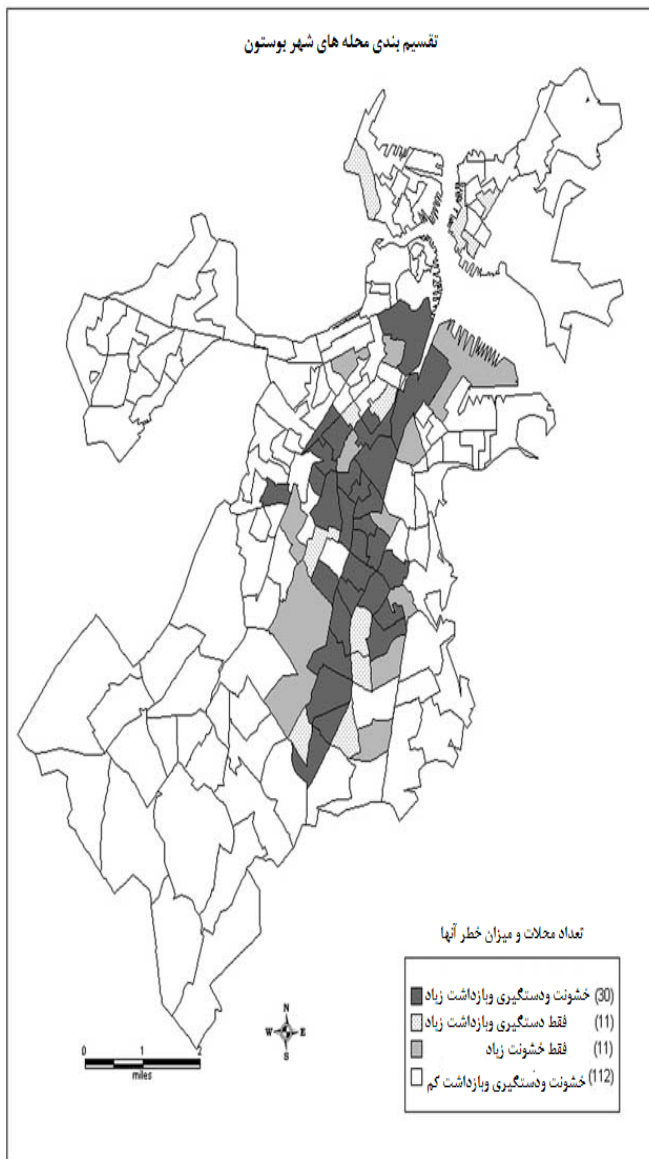
- در بررسی تاثیر فقر بر نرخ جرایم نیز همانطور که انتظار می‌رفت، رابطه مستقیمی با میزان جرایم نشان داده شد (میلر، ۲۰۱۳: ۲۲).

تاثیر سواد کار آگاهی

برای ارزیابی تاثیر میزان سواد کار آگاهی مردم جامعه و میزان مشارکت ایشان در پیشگیری از جرم در محله‌های با ریسک (استعداد جرم خیز بودن) زیاد و یا کم به طرحی که توسط پاتاوینا و همکارانش^۳ از محققین دانشگاه ایالت ماساچوست^۴ آمریکا در سال ۲۰۰۶ انجام دادند می‌پردازیم:

این تحقیق در مورد شهر بوستون^۵ که مرکز ایالت ماساچوست می‌باشد انجام شد و ابتدا محله‌های این شهر از نظر جرم خیز بودن تقسیم بندی گردید که در شکل زیر مشاهده می‌نمایید (پاتاوینا و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۱۶)

-
- 1 - Miller
 - 2 - Orgeon
 - 3 - Pattavina et al.
 - 4 - Massachusetts
 - 5 - Boston



بعد از این تقسیم بندی، بررسی های مربوطه انجام شد و نتایج این تحقیق حاکی از این است که: ۱. مردمی که در مناطق با ریسک زیاد (مناطق پرخطر) زندگی می کنند به میزان بیشتری از مردمی که در مناطق کم خطر زندگی می کنند تمایل به مشارکت و همکاری با پلیس برای پیشگیری از جرم را دارند

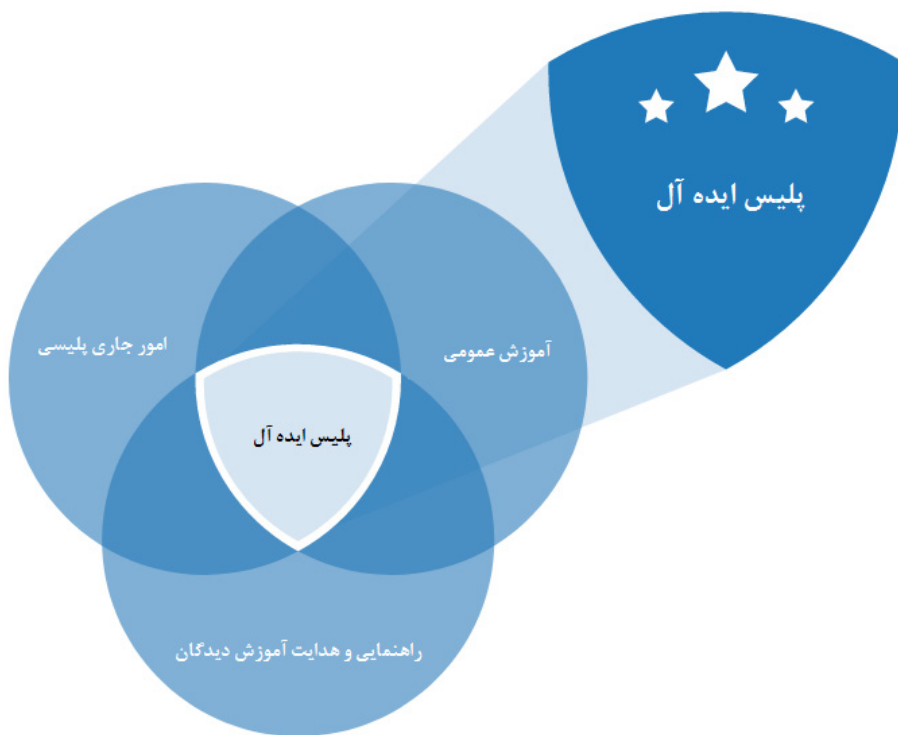
که این مسئله می‌تواند ناشی از این مطلب باشد که مردمی که در مناطق پرخطر زندگی می‌کنند بواسطه اینکه مدام با افرادی در محله سروکار دارند که جرایم مختلفی را انجام می‌دهند، پس از نظر **سواد کار آگاهی و پلیسی** در درجه بالاتری نسبت به افرادی قرار دارند که در مناطق کم‌خطر زندگی می‌کنند و اینگونه افراد که بزهکار نیستند ولی در مناطق پرخطر زندگی می‌کنند، انگیزه بالایی برای ارتقاء امنیت خود و خانواده خود دارند پس نهایت تلاش خود را برای پیشگیری از جرم و همکاری با پلیس در محله انجام می‌دهند.

۲. ارتباط منطقی و مهمی بین شاخص همبستگی اجتماعی (یعنی اینکه ساکنان، خود را واقعاً بخشی از محله بدانند) و دخالت در فعالیتهای پیشگیری از جرم وجود دارد. در ضمن، همین معیار یعنی همبستگی اجتماعی، قویترین ابزاری است که می‌توان با آن، میزان مشارکت مردم^۱ را در محلات کم‌خطرتر نیز پیشگویی کرد یعنی هرچه میزان این همبستگی بیشتر باشد ساکنین آن منطقه پتانسیل بیشتری برای سهیم شدن و تلاش در ارتقای امنیت محله خود دارند (همان منبع: ۲۲۷).

نتیجه گیری

افزایش جرایم نشان از این دارد که سواد کار آگاهی مردم در جامعه پایین است. لذا اگر ناجا با آموزشهای سواد کار آگاهی در لایه‌های مختلف جامعه و بنا بر شرایط سنی، اجتماعی و فرهنگی هر گروه از مردم موفق به ارتقای سطح دانش پلیسی و سواد کار آگاهی مردم در جامعه شوند و آنها را با شیوه‌های پیشگیری از جرم و نحوه تعامل با پلیس و حتی نحوه مواجهه و رفتار با مجرمین را برای مردم بیشتر روشن سازد و از سوی دیگر با سیاست‌های صحیح موفق به جلب مشارکت افرادی که آموزش دیده اند گردد، گره از بسیاری مشکلات جامعه باز خواهد شد. تحقیقات زیادی در مدیریت جامعه و سیاستهای شهری بطور انحصاری متمرکز شده روی سئوالاتی از چگونگی و چرایی مشارکت شهروندان در سازمانها و فعالیتهای مرتبط با تامین کالاها و سرویس‌های عمومی. در واقع، راه حل بسیاری از مشکلات در حوزه‌های اجتماعی در نوع رابطه بین دولت‌ها و مردم است. اگر بخواهیم آنچه تا کنون بیان شد را در قالب یک شمای کلی به نمایش بگذاریم می‌توانیم ارتباط بین آموزش علوم پلیسی و کار آگاهی به مردم جامعه (سواد کار آگاهی) و امور جاری پلیسی و نظارت و راهنمایی مردم در جامعه را بصورت زیر نمایش دهیم که مجموعه این عوامل علاوه بر ارتقای امنیت عمومی جامعه و سطح رضایت مردم، پلیسی ایده آل را تشکیل می‌دهد.

۱. اگر بخواهیم تعریفی از مشارکت مدنی ارائه دهیم، طبق تعریف رابرت وارن عبارتست از: هرکنش و واکنشی بین افراد یا گروه‌ها و سرویس‌های عمومی که بتواند سرویس‌های مدنی را تولید کند یا گسترش دهد (رابرت وارن، ۱۹۸۴: ۴۴۸).



پیشنهادهای

۱. پلیس‌های کشف جرم برای آنکه ورودی‌های پرونده را کاهش دهند؛ بایستی با همکاری معاونت اجتماعی وارد بخش‌های در معرض خطر جامعه قرار گیرند و قبل از اینکه این افراد گرفتار آسیب و جرم و مجرم شوند آنها را توانمند سازند.
۲. برای کاهش جرم باید سواد کارآگاهی را در جامعه اجتماعی کرد. یعنی آن را در لایه‌های مختلف جامعه کشاند تا مردم کمتر مورد هدف جرم و مجرم قرار گیرند. و از طرفی هر فرد قبل از انتخاب شغل یا حرفه بایستی آموزش‌های لازم را طی نماید و آسیب‌های آن حوزه را بشناسند.
۳. سازمان‌ها، وزارخانه‌ها و قوه قضائیه با مشارکت پلیس بودجه‌هایی که در امر پیشگیری هزینه می‌کنند؛ باعث هدفمند کردن آموزش در امر پیشگیری خواهد شد. مانند وزارت کشور دولت انگلیس سالانه دوسوم بودجه خود را به امر پیشگیری اختصاص می‌دهد.

منابع

۱. بابائیان، علی - کرمی، ذبیح ا... و کفراشی، سعید (۱۳۹۱). نقش آموزش همگانی پلیس در پیشگیری از جرم، فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، سال هفتم شماره ۲۴ پاییز.
۲. بهزادی، نجیبه و احمدی موسوی، سید مهدی (۱۳۹۵). نقش آموزش همگانی پلیس در پیشگیری از جرم، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی کرمان، سال هفتم، شماره ۱۶ تابستان.
۳. جیمز پاتر، دبلیو (۱۳۹۱). نظریه سواد رسانه‌ای، ترجمه ناصر اسدی - محمد سلطانی فر و شهناز هاشمی، انتشارات سیمای شرق.
4. M. J. Marschall, (2004). "Citizen Participation and the Neighborhood Context: A New Look at the Coproduction of Local Public Goods," *Political Research Quarterly*, vol. 57, pp. 231-244.
5. Kim, H. Y. (2013). An examination of citizen involvement in crime prevention. *Social Sciences*, 2(5), 161-167.
6. R. Warren, et al. (1984). Coproduction, Equity and the Distribution of Safety, *Urban Affairs Quarterly*, vol. 19, pp. 447-464.
7. Pattavina, A., Byrne, J. M., & Garcia, L. (2006). An examination of citizen involvement in crime prevention in high-risk versus low-to moderate-risk neighborhoods. *Crime & Delinquency*, 52(2), 203-231.
8. Miller, N. (2013). Neighborhood crime: correlation between neighborhood upkeep and crime rates. published by Oregon State University, 1-24.
9. Drew, J., & Prenzler, T. (2015). *Contemporary police practice*. Melbourne: Oxford University Press.
10. Sarre, R., & Prenzler, T. (2016). Ten key developments in modern policing: an Australian perspective. *Police Practice and Research*, 1-14.
11. Choi Kwan & Ju-lak Lee (2016) Citizen participation in community safety: a comparative study of community policing in South Korea and the UK, *Policing and Society*, 26:2, 165-184.
12. Dawes, R., Van De Kragt, A.J.C., and Orbell, J.M., (1990). Cooperation for the benefit of us – not me or my conscience. University of Chicago Press, 97–110.
13. Glatt, P. R. (2012). Do women engage in self-protection because of violence generally or sexual violence specifically? An analysis based on the 2009 General Social Survey.
14. Raymond, B. (2010). Assigning police officers to schools. Washington, DC: Department of Justice, Office of Community Oriented Policing Services.

15. Davis, R. C., & Smith, B. (1994). Teaching victims crime prevention skills: Can individuals lower their risk of crime?. *Criminal Justice Review*, 19(1), 56-68.
16. Biderman, A., Johnson, L., & Weir, A. (1967). Report on pilot study in the District of Columbia on victimization and attitudes toward law enforcement. Washington DC:United States Government Printing Office.
17. Hindelang, M., Gottfredson, M., & Garofalo, J.(1978). Victims of personal crime: An empirical foundation for a theory of personal victimization. Cambridge, MA: Ballinger publication.
18. Sparks, R., Genn, H., & Dodd, D.(1977). *Surveying Victims*. New York, NY: John Wiley publication.
19. Weiler, S. C., & Cray, M. (2011). Police at school: A brief history and current status of school resource officers. *The Clearing House: A Journal of Educational Strategies, Issues and Ideas*, 84(4), 160-163.